

دگرگونی

آموزش دین و زندگی با ذائقه عصر ارتباطات

پای صحبت مرضیه نصرتی،

کارشناس ارشد الهیات و دبیر فکرة دین و زندگی

معمومه دیودار

همیشه فکر می‌کردم چرا دانش‌آموزان ما حتی به آنچه می‌دانند عمل نمی‌کنند. می‌دیدم دانش‌آموزی که کنفرانسی در خصوص نماز ارائه می‌دهد و از فواید علمی نماز بر روح و جسم انسان صحبت می‌کند، نماز نمی‌خواند. به دنبال آن بودم که مشکل را پیدا کنم. از خود می‌پرسیدم چرا آنچه را که می‌داند اجرا نمی‌کند.

پی بردم و دیدم درد دانش‌آموزان ما، ضعف اراده، نبود مهارت زندگی و نبود احساس نیاز در آن‌هاست. از این‌رو تلاش کردم اراده‌ها را تقویت کنم، مهارت‌ها را آموزش دهم و در آن‌ها احساس نیاز ایجاد کنم.

تصمیم گرفتم به جای انباشته کردن ذهن آن‌ها دانسته‌هایشان را مدیریت کنم. در واقع، به جای سیراب کردن، آن‌ها را تشنه کنم. از این‌رو معارف دین را در درونشان نهادینه کردم. ذائقه‌هایشان را تغییر داده به نگاه‌هایشان جهت دادم.

برای رسیدن به این هدف چه روش تدریسی را به کار می‌گیرید؟

باید توجه داشت که هفتاد درصد موفقیت معلمان در روشی است که برای تدریس انتخاب می‌کنند. هنگامی سخنشان تأثیر می‌گذارد که دارای قاعده و سبک باشد.

نخستین کاری که انجام دادم این بود که از رغبت مخاطب شروع کردم تا به نقطه‌ای برسیم که به رسالت خود خاتمه دهم. به این معنا که برای

اشاره

تدریس دین و زندگی را برای تغییر ذائقه دانش‌آموزان امروزی برگزید تا بتواند در هیاهوی عصر اطلاعات در نگرش نسل امروز نسبت به دین تغییری ایجاد کند.

مرضیه نصرتی حدود هفده سال به‌عنوان دبیر دینی و معارف، فلسفه و منطق و عربی در دبیرستان‌های کرج خدمت کرده و چند سالی است که تدریس در کلاس پرورشی را برگزیده است. او همچنین کارشناس ارشد الهیات است و ده سال تدریس در دانشگاه و حوزه علمیه را نیز در کارنامه کاری خود دارد. تفسیر، نهج‌البلاغه، آموزش خانواده و مهارت‌های زندگی را نیز در محافل عمومی تدریس می‌کند و بیش از سه سال است که آموزش خانواده را در آموزش و پرورش آغاز کرده است.

در ادامه، گفت‌وگوی رشد آموزش معارف اسلامی را با وی که فعالیت‌های ارزنده‌اش سبب شد سال گذشته عنوان دبیر نمونه را به خود اختصاص دهد، می‌خوانید.

با توجه به آنکه سال‌ها تجربه تدریس دینی در دوره دبیرستان را در کارنامه کاری خود دارید، از تجربیات عملی موفق‌تری که در این زمینه دارید، به ایمان بگویید.

تصمیم گرفتم به جای انباشته کردن ذهن آن‌ها دانسته‌هایشان را مدیریت کنم. در واقع، به جای سیراب کردن، آن‌ها را تشنه کنم. از این‌رو معارف دین را در درونشان نهادینه کردم. ذائقه‌هایشان را تغییر داده به نگاه‌هایشان جهت دادم.

پیامبر اسلام (ص)
برای تفهیم ریزش
گناهان از تکان
دادن درخت و
ریختن برگ‌های
آن استفاده
کردند یا با جمع
کردن هیزم از
انباشته شدن
گناهان به صورت
غیر محسوس
خبر دادند

برای تعمیق باورهای دینی، می‌توان مفاهیم آسمانی را زمینی کرد؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام ﷺ برای تفهیم ریزش گناهان از تکان دادن درخت و ریختن برگ‌های آن استفاده کردند یا با جمع کردن هیزم از انباشته شدن گناهان به صورت غیر محسوس خبر دادند. تمام این موارد کمک می‌کند تا اراده‌ها تقویت شوند و به نوعی ممارست ذهن حاصل گردد.

این روش مفاهیم دین را برای دانش‌آموزان ملموس و کاربردی می‌کند؛ طوری که به آن احساس نیاز می‌کنند.

همچنین می‌توان به جای القای اندیشه، اندیشیدن را به دانش‌آموزان آموزش داد. به این صورت که برای برخی از مفاهیم دینی مسئله طرح کرد. به جای آنکه بگوییم سؤال این است و پاسخش آن و مبحث را تمام کنیم، می‌توان روشی را به کار بست که خود دانش‌آموز به پاسخ برسد.

مفاهیمی مانند مرجعیت را می‌توان با برخی از ادله دینی و استدلال‌های عقلی ثابت کرد اما در روش تدریس خود مسئله را این‌گونه طرح می‌کردم: «بچه‌ها، به نظر شما در غیبت امام زمان چه باید کرد؟ منتظر بمانیم امام زمان بیاید؟»

با همین طرح مسئله دانش‌آموزان را به بحث و گفت‌وگو و برخی مواقع به تحقیق و کنفرانس وامی‌داشتیم تا خودشان به این نتیجه برسند که ما نیازمند مرجعیت هستیم. یا برای مسئله حجاب با طرح این سؤال که «بچه‌ها، برای آنکه برادر و پدر شما از مسائل ضد اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی در امان باشند حضور زن‌ها در جامعه چگونه باشد؟» مسئله‌سازی می‌کردم و با ایجاد درد، دانش‌آموز را وامی‌داشتیم تا به پاسخ برسد. طرح مسئله در القای مفاهیم دینی به دانش‌آموزان بسیار کمک می‌کند.

اگر شرایطی به وجود آوریم که به این نتیجه برسند که دین در جامعه یکی از اساسی‌ترین نیازهاست، می‌توان گفت رسالت خود را انجام داده‌ایم. در حال حاضر می‌بینیم نیازهای کاذب دغدغه ذهنی دانش‌آموزان شده اما خواندن نماز، رعایت حجاب و عمل به دستورات دینی دغدغه آن‌ها نیست.

القای مفاهیم از مقوله‌هایی که خوشایند ذائقه دانش‌آموزان است شروع کردم و با هدفی که در نظر داشتم خروجی گرفتم.

از نقاشی، داستان و نمایش‌نامه یا مناظره، برحسب ذائقه و علاقه دانش‌آموز بهره گرفتم؛ برای مثال، روزی دانش‌آموزان را به حیاط مدرسه بردم و از آن‌ها خواستم نقاشی بکشند. موضوع نقاشی آن‌ها را مفاهیمی از قنوت، سجده و نماز در نظر گرفتم. در این روش، که دانش‌آموز در حال نقاشی است، به‌طور ناخودآگاه تأثیر معنوی و روحی قنوت و سجده در ذهن و برگه نقاشی وی حک می‌شود. در واقع، دانسته‌های دانش‌آموز به صورت نقاشی روی کاغذ ترسیم می‌شود و در نهایت تأثیر به‌سزایی در او دارد؛ چراکه پس از پایان نقاشی هنگامی که به آن نگاه می‌کند به لذتی که در نماز است پی می‌برد، در حالی که با سخنرانی یک ساعت و نیمه نمی‌توان چنین مفهومی را به او القا کرد.

استفاده از این روش تدریس چه تأثیری در دانش‌آموزان شما داشته است؟

این روشی غیر مستقیم برای القای مفاهیم دینی است اما آنچه در نهایت حاصل می‌شود بسیار تأثیرگذار است. در نظر سنجی‌ای که داشتم، برخی از دانش‌آموزان، ضمن اشاره به نقاشی‌های خود از تأثیری که این روش در آن‌ها داشت صحبت می‌کردند.

با توجه به آنکه درس معارف اسلامی متشکل از بخش‌های مختلف اخلاقی، دینی و عقیدتی است، برای تدریس هر یک از این بخش‌ها چه روشی را پیشنهاد می‌کنید؟

برای آموزش مهارت‌های زندگی از نمایش‌نامه می‌توان استفاده کرد؛ زیرا بسیار تأثیرگذار است. نوشتن داستان و ترتیب دادن مناظره نیز می‌تواند روش مناسبی برای تدریس «مهارت زندگی» و «مهارت نه گفتن» باشد.

طبیعتاً زمانی که در حال حاضر برای درس دین و زندگی و معارف اسلامی در نظر گرفته شده پاسخ‌گوی نیاز این درس نیست. برای کلاس‌های اول دبیرستان که چهار ساعت درس معارف دارند این ساعات مناسب است اما در سایر پایه‌ها با کمبود زمان تدریس درس دین و زندگی روبه‌رو هستیم.

هرچه زمان بیشتری به این درس اختصاص دهند بهتر است. چراکه تبیین مطالب و تفهیم آن به دانش‌آموزان و مشارکتی که باید برای این کار داشته باشند، به زمان بیشتری نیاز دارد، اما هنر معلم آن است که بهترین بهره‌وری را از زمان داشته باشد.

به نظر شما تفاوت درس دینی با سایر دروس چیست؟

درس دینی بیشترین شمول و جامعیت را در زندگی دانش‌آموزان دارد و بر تمام عرصه‌های زندگی سایه افکنده است؛ از باورها گرفته تا اعتقادات و آینده. اگر دانش‌آموز از دبیر فیزیک خوشش نیاید، تأثیری بر زندگی روحی و روانی و معنوی اش ندارد اما اگر از دبیر معارف خوشش نیاید، در اعتقادات او تأثیر مستقیم دارد.

با توجه به روش تدریسی که به کار بسته‌اید، تغییرات رفتاری دانش‌آموزان را چگونه می‌بینید؟

روش من بیشترین تأثیر را در تغییر نگاه‌ها داشته است. چراکه رفتار ما نشئت گرفته از احساس ما و احساس ما نشئت گرفته از نگاه ماست. اصلاح نگاه‌های اشتباهی که نسبت به دین و مرجعیت و حتی مسائل زندگی، تحصیل، انتخاب دوست و همسر وجود داشت، سبب شد تا به نتایج ویژه‌ای دست یابم که الهام‌بخش من برای ادامه این روش بود.

چرا نیاز است معلم دینی توجه ویژه‌ای به چگونگی آموزش و استفاده از ابزارهای آموزشی (شنیداری - دیداری) در تدریس دینی داشته باشد؟

زیرا در تدریس دینی حساسیت‌هایی وجود دارد. در واقع، درس دینی آماج حملات و شبهه‌افکنی دشمنان است و با چالش همراه است. برای مثال، با درس فیزیک دشمنی به قصد تخریب وجود ندارد؛ چراکه فرمول‌های اثبات‌شده‌ای است که تدریس می‌شود و معلم نیازی برای پاسخ‌گویی به چرایی وجود این فرمول‌ها ندارد و از طرف دشمنان نیز مورد هجوم قرار نمی‌گیرد اما درس دینی باید

به دانش‌آموزان فهمانده‌ام که دین‌داری فقط پاداش اخروی به‌دنبال ندارد بلکه برنامه زندگی نیز هست. به آن‌ها القا کرده‌ام که برای هر کاری به برنامه نیاز داریم و دین برنامه زندگی است و ما به آن نیاز داریم. دین کمک می‌کند تا بسیاری از خلأهای ما پر شود. به بن‌بست‌های زندگی ما پاسخ می‌گوید و نیازهای ما را رفع می‌کند.

برای تفهیم این مطالب روش خاصی دارید؟

برای تفهیم این مطالب برایشان مثال می‌زنم. به داستان امام حسین (علیه السلام) اشاره می‌کنم و می‌گویم: «امام حسین و ائمه خوب مردن را فقط آموزش نمی‌دهند بلکه برای آموزش باعزت زندگی کردن به مردم، خوب مردن را انتخاب کردند». از این مثال‌ها برای آن استفاده می‌کنم تا دانش‌آموزان بدانند قوانین دین برای باعزت زندگی کردن است.

تغییر ذائقه، باورها و نگاه‌های دانش‌آموزان نیز می‌تواند یکی از روش‌های آموزش معارف باشد. از این روش زیاد بهره گرفته‌ام و فرصت‌هایی برای فکر کردن در کلاس ایجاد کرده‌ام. چراکه دانش‌آموزان در دنیای پرهیاهوی امروز فرصت فکر کردن ندارند. حتی هنگام راه رفتن در خیابان نیز «هدفن» در گوش دارند و به آهنگ گوش می‌دهند و مشغله‌های غیرمفید برای خود درست کرده‌اند. در کلاس درس زمانی را برای فکر کردن برایشان ایجاد می‌کنم تا بتوانند با آرامش درباره مسائل مختلف بیندیشند. با نوشتن یک بیت شعر یا آیه‌ای از قرآن کریم و احادیث، دانش‌آموزان را به فکر کردن وامی‌دارم تا نظراتشان را درباره آن مطلب بگویند و درخصوص تأثیری که می‌تواند در زندگی شان داشته باشد صحبت کنند.

در واقع، روش تدریس پرسش و پاسخ را به طرق مختلف برای القای مفاهیم گوناگون به کار می‌گیرید؟

البته نه پرسش و پاسخ به روش کلیشه‌ای و معمولی. من بیشتر برای فکر کردن فرصت ایجاد می‌کنم و تغییر ذائقه‌های دانش‌آموزان را از طریق برگزاری محافل انس با قرآن و برنامه‌های تجمیعی در برنامه کاری خود دارم.

چند درصد دانش‌آموزان در این روش تدریس مشارکت می‌کنند؟

این روش جذاب است و به‌جز دانش‌آموزانی که انگیزه‌ای برای خواندن ندارند، سایر دانش‌آموزان در این روش تدریس مشارکت دارند. تمرین سرود یکی دیگر از روش‌هاست و دانش‌آموزانی را که در حاشیه درس می‌مانند، به سایر دانش‌آموزان پیوند می‌دهد. همچنین مطالبه آنچه آموزش داده شده است، در جلسات آینده کلاس درس، همه دانش‌آموزان را به‌سوی روش تدریس می‌کشد.

اجرای روش‌های تدریس دین و زندگی به چه مدت زمان نیاز دارد؟ آیا در یک زنگ می‌گنجد؟

در کلاس درس زمانی را برایشان ایجاد می‌کنم تا بتوانند با آرامش درباره مسائل مختلف بیندیشند

پاسخ‌گوی رفتار مسئولان کشور باشد. پاسخ‌گوی شبهات باشد. حتی برای رفتارهای والدین باید توجیه داشته باشیم که چرا نماز خواندند اما تأثیری در رفتارشان ایجاد نشد. خیلی از موانع را باید از سر راهمان برداریم.

پیشنهاد شما برای بهبود برنامه درسی و برخورد بهتر با نوجوانان در درس دینی چیست؟

اگر دبیر دینی نشان دهد که خیرخواه و دلسوز دانش‌آموزان است می‌تواند عملکردی موفق داشته باشد و اگر خود را در کنار دانش‌آموزان ببیند نه در مقابل آن‌ها، می‌تواند صحیح عمل کند. تکریم و اکرام دانش‌آموز بسیار مهم است. برای ابراز عقیده به دانش‌آموز باید فرصت دهیم تا ما را امین خود بدانند و با مهربانی و دلسوزی و مادرانه یا پدرانه برخورد کردن با دانش‌آموزان را در نظر داشته باشیم.

از دیگر سو برنامه‌های درسی مدارس باید با نگاهی کلی دیده شود تا سایر دروس نیز در راستای درس دینی گام بردارند. درس فیزیک و ریاضی صرفاً فیزیک و ریاضی هستند و گویی دین در آن دروس مطرح نیست. فقط در درس دینی تلاش می‌کنیم تا مفهوم دین را به دانش‌آموزان منتقل کنیم؛ در حالی که بهتر است تأییدی از مسائل دینی و اخلاقی در همان کتاب‌ها داشته باشیم و مهم‌تر از آن اینکه محتوای آن‌ها با دین تناقض نداشته باشد.

برای مثال، در درس زیست در فرضیه تکامل مطالبی القا می‌شود که با مطالب درس دینی در بخش خلقت انسان مغایرت دارد. دبیر دینی‌ای سراغ دارم که می‌گفت سه جلسه از کلاس را به رد فرضیه تکامل داروین، که دبیر زیست آن را القا کرده بود، اختصاص داده است.

شما در حال حاضر تدریس پرورشی را برگزیده‌اید. آیا این انتخاب در راستای اهداف پرورشی شما در درس معارف اسلامی اتفاق افتاده است؟ چگونه به این نتیجه رسیدید؟

در کلاس‌های دین و زندگی حجم کتاب، موضوع درس و شیوه‌های امتحانی دبیر را محدود می‌کند. کلاس پرورشی را مناسب با اهداف خود دیدم؛ چراکه دست دبیر برای روش تدریس و امتحان باز است و در قالب روش‌های خاص مطرح شده در شیوه آموزشی نمی‌گنجد. در واقع از نظر زمان، شیوه تدریس و حتی روش

امتحان توانستم آنچه را در نظر دارم، عملیاتی کنم.

به نظر شما آنچه در کتاب‌های دبیرستان به عنوان دین و زندگی در اختیار نوجوانان قرار می‌گیرد، کامل است یا در این دوره حساس جای خالی برخی نکات دیده می‌شود؟

کتاب‌های جدید دین و زندگی رویکردی کاربردی دارند و بسیار عالی هستند. عنوان کتاب با مطالب آن سنخیت کامل دارد اما مشکل این است که دبیران این درس برای تدریس این کتاب مهارت لازم را ندارند؛ چراکه آموزش ندیده‌اند و کتاب‌های جدید را هم با همان روش‌های سنتی و قدیمی تدریس می‌کنند.

شاید بتوان گفت تنها سه درصد دبیران متوجه مفهوم اصلی کتاب شده‌اند. کلاس‌های ضمن خدمتی که برگزار می‌شوند، روی مفاهیم تأکید دارند. گاهی سؤال می‌شود که رابطه درس اول با درس چهارم چیست و دبیر پاسخی برای آن ندارد. از دیگر سو، با پیشنهادهایی که دبیران هر سال می‌دهند، بخشی از کتاب خلاصه می‌شود و آنچه خروجی است پاسخ‌گوی نیازها نیست. دبیر نیز توانایی القای مطالب را ندارد و یک مطلب خلاصه نمی‌تواند مفهوم اصلی را برساند.

در کل، می‌توان گفت کتاب دین و زندگی عالی است اما تا زمانی که با روش سنتی تدریس شود نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد. باید توجه داشت که نسل امروز نسل ارتباطات است و باید با او به زبان عصر جدید سخن گفت.

مستروح در <http://weblog/roshdmag.ir/maaref>

تکریم و اکرام دانش‌آموز بسیار مهم است. برای ابراز عقیده باید به دانش‌آموز فرصت دهیم تا ما را امین خود بدانند

